



می‌کند که پرونده‌ها را این طرف و آن طرف می‌کشد. اما وونکه مو به مو از فونتان تقنید می‌کند حتی از نوآن‌های زبان او. به طوری که از هم قابل تشخیص نیستند.

محل وقوع داستان در برلن بلافاصله بعد از اتحاد دو آلمان است و به طور دقیق‌تر در فاصله سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱. قهرمان اصلی دیگر دوشادوش فونتی‌بیر، جاسوس پیشین آلمان شرقی است و دوتایی نمایانگر «دو پیرمرد» بازمانده از زمان‌های پیشین هستند» (گوتترگراس). فی الواقع یک زوج نامور که با یک ماشین کهنه آلمان شرقی در دورنماهای تاریخی آلمان سفر می‌کنند.

بسیاری از منتقدین این امید دیرینه زادر سر می‌پرورانند که گوتترگراس بالاخره رمان بزرگی راجع به اتحاد دو آلمان که تقریباً پنج سال به انتظار آن نشسته بودند به رشته تحریر کشیده است. اما هر کسی با گوتترگراس و طبل حلبی‌اش آشنا باشد می‌داند که این استاد تناقض ادبی دوست ندارد که به یک موضوع بچسبند. خود غنای زبانش، لذتی که از آفرینش روایی، ارتجال و تنوع می‌برد اغلب حواس او را بسه‌حوادث ضمیمی و فرعی (Subplots, episodes)، وقایع عجیب و گشت و گذار در گذشته آلمان معطوف می‌دارد.

البته اتحاد دو آلمان در این رمان نقشی دارد. تاریخ آلمان همین‌طور و بالاتر از همه ادبیات. در تقدیم‌نامه کتاب می‌خوانیم «برای اوت (Ute) که شیفته F بود» اوت زن مؤلف است. در پشت این تقدیم‌نامه خوابی قرار دارد که گراس در **خاطرات روزانه هند تحت عنوان «زبان‌ت را نشانم بده»** توصیف می‌کند. او خواب دید که اوت نسبت به او بی‌وفایی کرده است «اوت و فونتان پیر زیر درخت گلابی در باغچه خانه ما، چیزی دارد اتفاق می‌افتد، چیزی جریان دارد و سالها جریان داشته». زنی که از خواندن فونتان لذت می‌برد هم کابوسی است بزرگ و هم بهانه‌ای برای نوشتن.

برگرفته از مجلد دوپچلند شماره ۳۴.

**نشر ویستار منتشر می‌کند**

**کارون در من است امشب**

مجموعه غزل‌های حمید حاجی‌زاده (سحر)



Jochen Truby

ترجمه: محمدعلی مختاری اردکانی

## گوتترگراس: استاد می‌خواهد از خود پیشی گیرد

می‌گوید «تمام وجودم را در آن گذاشتم» - برای کتابی که نوشتن آن پنج سال طول کشیده است. البته هیچ قضاوت نقادانه‌ای در مورد موضوع پیچیده جامع نخواهد بود. با این همه کتاب تا اوایل سپتامبر از چاپ در نخواهد آمد و تیراژ اولین چاپ آن هم ۱۵۰۰۰ نسخه است. اما گوتترگراس نمی‌خواست تا آن موقع صبر کند. ماه‌ها پیش قسمت‌هایی از کتاب جدیدش را برای محافل می‌خواند، سألن‌ها را پر می‌کرد و در رسانه‌های جمعی سروصدا برده می‌انداخت و انتظاراتی را بر می‌انگیخت. روزنامه Die Woche با شادمانی خبر داد که «استاد بازگشته است».

و این بار استاد خود را زیر چتر استادی دیگر یعنی تئودر فونتان (Theodor Fontane) (1819-1898) قرار داده است. کسی که گوتترگراس همیشه از خواندن آثارش لذت برده است. حتی عنوان رمان جدیدش، **موضوع پیچیده** نقل قولی از مشهورترین رمان فونتان به نام افی بریست (Effi Briest) است و تنو وونکه (Theo Wutke) سبیلو مثل فونتان (و گراس) تقریباً کپی نویسنده نورروپنی (Neuruppin) است. وونکه (که همچنین Fonty خوانده می‌شود) نویسنده نیست بلکه بازنشسته است، سرزنده‌ایست که به صورت افتخاری برای Treuhand gesellschaft کار

گراس، به رغم پیامبران فنا هنوز می‌تواند رمان‌های قطور بنویسد.

پیش‌نویس رمان جدیدش، **موضوع پیچیده** انتظارات زیادی را دامن زده است.

بعضی افراد بر نام گوتترگراس قلم قرمز کشیده بودند. گوتترگراس ۷۶ ساله در چند سال گذشته چیزی که هیجانی برانگیزد به چاپ نرسانده بود. عقیده غالب منتقدان ادبی این بود که گوتترگراس ظاهراً در خلاء می‌نویسد.

اما آنچه باقی‌مانده بود افتخار **طبل حلبی** بود که شهرت جهانی او مدیون آن است. داستان طبل‌زن، اسکار ماتزرات (Oskar Matzerath)، که دلش نمی‌خواست بزرگ شود، در سال ۱۹۵۹ چاپ شد و هنوز هم در جهان به سیر خود ادامه می‌دهد. تقریباً چهار میلیون نسخه به فروش رفته و به بیش از بیست زبان ترجمه شده است. اما عیب این شهرت اولیه این است که شکوه آن، هر چیزی را که به دنبال آمد تحت‌الشعاع قرار داد.

اما اکنون استاد قصد دارد که از خود پیشی بگیرد. رمان جدید او **Ein Weites Feld** (موضوع پیچیده) (۷۸۴ ص) نه تنها از **طبل حلبی** حجیم‌تر است بلکه پر از تلمیحات به تاریخ آلمان است و تغزل زبان و غنای تمثیل آن یادآور گوتترگراس در روزهای طلایی خود است. به عقیده بسیاری از منتقدین این کتاب بسیار نویدبخش است. خود گوتترگراس